

بازگشت بومرنگ فشار به آمریکا

سیاست فشار نظامی واشنگتن به ایران در قالب پیامدهای اقتصادی در حال بازگشت به اقتصاد آمریکاست؛ روندی که محمدباقر قالیباف از آن به عنوان «بومرنگ ایران» یاد کرده است



محمد حقگو
economice@khorasannews.com

گرانی گوشت، افزایش هزینه تأمین مالی، دشوارتر شدن خرید مسکن و کاهش قدرت خرید خانوارهای آمریکایی، انعکاس حلقه وار تبعات فشاری هستند که واشنگتن علیه ایران در ماه های اخیر دنبال کرده است. قرار بود این سیاست فشار، ایران را به طور یک طرفه در تنگنا قرار دهد، اما شواهد میدانی از جمله یادداشت اخیر رئیس مجلس تصویر دیگری ارائه می کند. محمدباقر قالیباف با کنار هم گذاشتن این نشانه ها، از «بومرنگ ایران» سخن گفته و نوشته است: «واردات گوشت یخ زده برای کنترل قیمت گوشت؟ بسیار خوب، شاید جواب بدهد. اما برای اوراق قرضه چه نقشه ای دارید؟ می خواهید بازدهی یخ زده وارد کنید؟ برای مسکن، خریداران یخ زده وارد می کنید؟ برای چاره اندیشی درباره دستمزدها، فیش های حقوقی یخ زده صادر می کنید؟ یک سیاست خارجی یخ زده و بدون ابتکار، اقتصادی یخ زده و راکد به بار می آورد. تنها چیزی که هنوز در حرکت است، بومرنگ ایران است که به صورت خودتان برمی گردد.» این موضوعات به چه واقعیاتی در اقتصاد آمریکا اشاره دارند؟

واردات برای مهار قیمت گوشت

نقطه آغاز یادداشت قالیباف، تصمیم دولت ترامپ برای تسهیل واردات حداکثر ۳۰۰ هزار تن گوشت گاو چرخ کرده در یک بازه ۹۰ روزه است. صادر کنندگان نیز متعهد شده اند این گوشت را حدود ۲۵ درصد پایین تر از قیمت جاری بازار عرضه کنند.

دولت آمریکا با این تصمیم تلاش می کند از طریق افزایش عرضه، افزایش قیمت یکی از مهم ترین اقلام سبد مصرفی خانوارها را مهار کند. با این حال، توسل به واردات ضربتی نشان می دهد گرانی مواد غذایی به مسئله ای جدی برای مردم آمریکا تبدیل شده است.

این اقدام اگرچه ممکن است در کوتاه مدت فشار قیمتی را تعدیل کند، اما همزمان تعارض میان کاهش قیمت برای مصرف کننده و حمایت از دامداران داخلی را تشدید می کند و قادر به رفع چالش های ساختاری زنجیره تولید نیست.

بازده اوراق را نمی توان وارد کرد

قالیباف پس از گوشت، به بازار بدهی آمریکا می رسد و می پرسد: «برای اوراق قرضه چه نقشه ای دارید؟ می خواهید بازدهی یخ زده وارد کنید؟» این پرسش مستقیماً به جهش هزینه استقرار دولت آمریکا اشاره دارد. بازده اوراق خزانه ۱۰ ساله

۳۰ ساله در آمریکا به حدود ۶.۶۷ درصد رسید؛ سطحی که اقساط ماهانه را به شدت سنگین کرده و هزینه خرید خانه را برای بسیاری از خانوارها بالا نگه می دارد. همزمان، داده های رسمی نشان می دهد شروع ساخت خانه های تک خانواری در ژوئیه نسبت به ماه قبل ۹.۹ درصد و نسبت به سال گذشته ۱۵.۷ درصد سقوط کرده است. بازار مسکن صرفاً به عرضه متکی نیست، بلکه نیازمند خریدارانی با توان بازپرداخت وام است؛

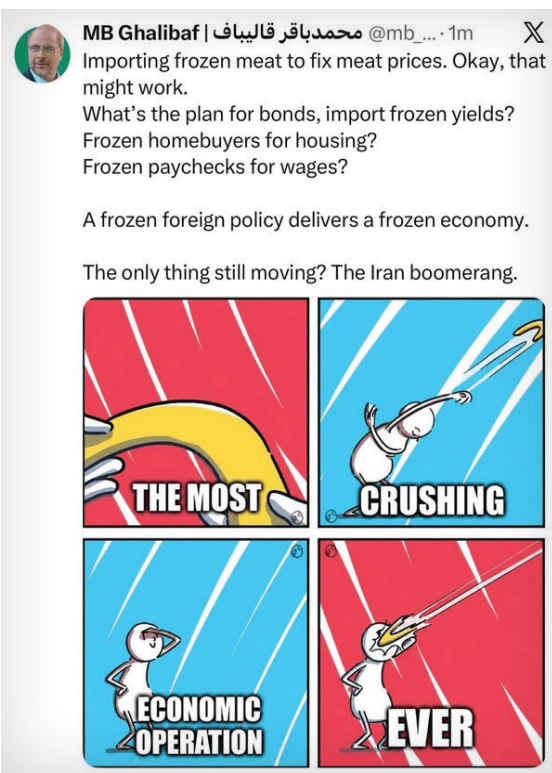
تقاضایی که با جهش نرخ بهره منجمد شده و با دستورالعمل های کوتاه مدت قابل احیا نیست.

دستمزدی که از تورم عقب ماند

بر اساس داده های اداره آمار کار آمریکا، متوسط دستمزد واقعی ساعتی در ژوئیه ۲۰۲۶ نسبت به ماه مشابه سال قبل ۰.۲ درصد کاهش یافت. رشد اسمی دستمزدها در همین دوره ۳.۲ درصد بود و تورم به ۳.۴ درصد رسید؛ این یعنی افزایش عددی فیش های حقوقی نتوانسته شتاب گرانی ها را جبران کند و قدرت خرید واقعی خانوارها عملاً تحلیل رفته است. در این جا، گوشت و دستمزد دو سوی یک مسئله واحدند: قیمت کالاهای ضروری افزایش یافته و در آمد واقعی خانوارها از این افزایش عقب مانده است. نتیجه، تشدید فشار معیشتی و کاهش قدرت خرید در داخل آمریکاست.

فشار از مسیر انرژی بازمی گردد

مفهوم بنیادین یادداشت قالیباف در جمع بندی نهایی آن نهفته است؛ جایی که از «بومرنگ ایران» سخن می گوید. تشدید فشار بر صادرات نفت ایران،



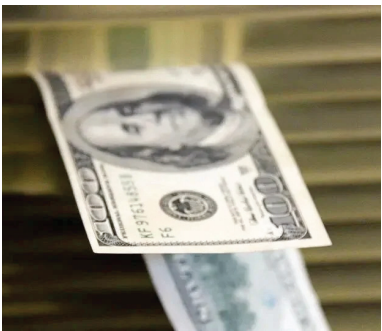
خریداران نفت ایران، سامانه های پرداخت و شبکه حمل و نقل دریایی، با پاسخ هوشمندانه ایران روبه رو شده و در نتیجه هزینه تجارت انرژی را در مقیاس بین المللی بالا برده است. کاهش عرضه یا افزایش ریسک حمل و نقل، قیمت های جهانی نفت را تحریک کرده و این شوک از طریق بهای بنزین، هزینه لجستیک و قیمت تمام شده کالاهای مصرف کننده نهایی در آمریکا بازگشته است. به گزارش تسنیم، میانگین قیمت بنزین در ایالات متحده از اواسط ژوئیه بالای ۴ دلار در هر گالن تثبیت شده که حدود یک دلار بالاتر از زمان آغاز تنش ها و در سطحی کم سابقه برای این مقطع از سال است. بنابر این، سیاستی که هدفش صفر کردن درآمدهای ایران بود، در عمل با بالا بردن هزینه های سوخت و تورم، گریبانگیر دولت و شهروندان آمریکایی شده است.

بومرنگی که به واشنگتن بازمی گردد

در یک جمع بندی، یادداشت قالیباف نشان می دهد گرانی غذا، افزایش هزینه استقرار دولت، رکود مسکن و فرسایش دستمزدها، عوارض پراکنده ای نیستند؛ بلکه حلقه های یک زنجیره به هم پیوسته اند که از سیاست فشار بر ایران آغاز شده و از کانال انرژی و تورم به واشنگتن برگشته است. این بومرنگ شاید به معنای توقف کامل اقتصاد آمریکا نباشد، اما بی تردید در حال افزایش هزینه سیاست های تحریمی و تقابلی برای طراحان آن به بالاترین سطح ممکن است.

رمرگشایی از دلار ۲۰۰ هزار تومانی

اگرچه افزایش نرخ ارز با توجه به شرایط اقتصاد ایران دور از انتظار نیست، اما دلیل اصلی افزایش روزهای اخیر نرخ ارز را باید در امارات جست و جو کرد!



شبکه ای که بخشی مهم از تجارت خارجی کشور از مسیر آن انجام می شود.

بر اساس اطلاعات مطرح شده، بسته جدید فشارهای تحریمی که از امروز آغاز می شود، به طور مشخص می تواند با هدف ایجاد اختلال در این حساب ها و شبکه پرداخت مرتبط با آن ها اعمال شود. طبیعی است که هرگاه امنیت حساب هایی که نقش واسطه در تأمین مالی واردات کالاهای اساسی و صنعتی دارند، با تهدید مواجه شود، بازار ارز بلافاصله واکنش نشان دهد.

از این منظر، جهش ناگهانی نرخ دلار در روزهای اخیر را می توان واکنشی به این نگرانی دانست که امنیت و استمرار شریان پرداخت ایران در دبی دیگر مانند گذشته تضمین شده نیست.

چشم انداز پایان سال؛ مدیریت در شرایط اضطرار

با کنار هم گذاشتن دو متغیر اصلی، یعنی فشار ددلاین های تجاری پیش رو و ناامنی احتمالی در کانال های پرداخت امارات، باید با واقع بینی بیشتری به آینده بازار نگاه کرد. بخشی از تقاضای سرمایه ای که به دلیل توقف یا کندی واردات، موقتاً به سمت بازارهایی مانند بورس رفته بود، ممکن است با تغییر انتظارات دوباره به بازار ارز بازگردد. بنابر این، تداوم فشار بر بازار ارز را نمی توان منتفی دانست.

در شرایطی که زیرساخت های پرداخت با اختلال مواجه است، نرخ ارز تا پایان سال احتمالاً دیگر در محدوده های قیمتی پیشین قابل ارزیابی نخواهد بود. برخی سناریوها، نرخ ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار تومان را به عنوان محدوده محتمل یا نرخ تعادلی پایان سال مطرح می کنند؛ هر چند تحقق این سناریو به متغیرهای متعددی بستگی دارد.

در نهایت، مسیر نرخ ارز تا حد زیادی به توانایی بانک مرکزی در جایگزین کردن سریع مسیرهای پرداخت، مدیریت منابع ارزی و نحوه مواجهه با بسته جدید تحریمی وابسته خواهد بود.

با اقتباس از تحلیل میلاد سالمی کارشناس اقتصادی

حامد جان

هفت سال گذشت

جای خالی تو، از تمام حضورت پررنگ تر است.

در سکوت خانه در خاطراتمان در عکسهایت،

در هر صدایی که شبیه صدای توست،

در هر صبحی که چشم باز می کنیم و برای یک

لحظه کوتاه فراموش می کنیم که دیگر نیستی.

میگویند زمان مرهم است اما فهمیدم

بعضی زخم ها قرار نیست خوب شوند

فقط آدم یاد میگیرد چگونه با زخمی عمیق

آرام و خاموش زندگی کند.

سادات فریزنی – کامران زاده

